

برای زیر مجموعه‌اش تبیین می‌کند. من فکر می‌کنم جلی اساساً به علت تفکرات متناقض با مدیران قبلی تغییر رویه داده و مواجهه صداوسیما با اتفاقات جدید باعث تحولی جدی خواهد شد.

از نگاه شما مهم‌ترین تحول در حوزه مدیران، جوان‌گرایی است یا بازگشت مدیران کارآمد و پرسابقه؟

من فکر می‌کنم خواسته‌ای که از جانب نهادهای بالادستی و حاکمیت نسبت به مدیران وجود دارد، جوان‌گرایی است و بعید می‌دانم مدیران قبلی به صداوسیما بازگردند. نکته این است که آیا می‌توان از تجربیات مدیران قبلی استفاده کرد یا نه؟! در دوره‌های قبلی مدیران موفق و ناموفق همواره وجود داشتند؛ برای مثال علی‌اصغر پورمحمدی در شبکه سه، مدیر موفقی بود و با تمام انتقادهایی که وجود داشت در بسیاری از حوزه‌ها خوب عمل کرد. در مقابل چهره‌های دیگری هستند که ناموفق بودند و همچنان در سازمان مشغول هستند. در معاونت سیما هم همین‌طور؛ مرتضی مهاجرانی مدیر موفقی بود اما خروجی دوره داوود میرباقری چندان موفقیت‌آمیز نبود. من نظرم این است که از تجربیات می‌توان استفاده کرد اما اینکه نیروهای گذشته بازگردند و قدرت را در دست بگیرند، هم بعید است و هم درست نیست.

آن نگره چابک‌سازی و ادغام شبکه‌ها که گویا مدنظر آقای جلی هم هست، چقدر می‌تواند راه‌گشا یا مانع برای اتفاقات بهتر باشد؟

چیزی که من شنیده‌ام، قصد دارند تعداد شبکه‌ها را کم کنند و یک سری از شبکه‌ها را تبدیل به شبکه‌های اصلی کنند. به طور مثال شبکه ورزش، زیر مجموعه مدیریت شبکه سه است یا شبکه نمایش و تماشای زیر مجموعه شبکه نسیم و گویا اینها ادغام می‌شوند. تصور می‌کنم می‌خواهند این سیاست را دنبال کنند و یک سری از شبکه‌های فرعی دیگر را بیاورند زیر نظر شبکه‌های اصلی و معاونت سیما را کوچک‌تر کنند. به نظر من این می‌تواند اقدام مثبتی باشد. در مجموع تعداد شبکه‌های فعلی زیاد است، حدود ۲۴ شبکه داریم که خیلی از آنها مجموعاً زیر ده درصد مخاطب دارند؛ مانند شبکه افق، سلامت، قرآن، ایران کالا و... برای مثال شبکه «ایران کالا» نفس ایجادش اشتباه است؛ تبلیغ کالای ایرانی باید در شبکه‌های اصلی باشد، نه شبکه‌ای که بیننده عام ندارد و اصطلاحاً پر مخاطب نیست. قطعاً ده شبکه با کیفیت بهتر از بیست شبکه با کیفیت پایین است.



من فکر می‌کنم خواسته‌ای که از جانب نهادهای بالادستی و حاکمیت نسبت به مدیران وجود دارد، جوان‌گرایی است و بعید می‌دانم مدیران قبلی به صدا و سیما بازگردند



نگین خسروی همزمان با تغییر دولت و اعلام ریاست جدید در سازمان صداوسیما، احتمال داده می‌شود که شاهد تحولاتی در آینده باشیم. پیرامون این موضوع و همچنین ارائه راهکارهایی جهت بازگرداندن مخاطب باهوش و نکته‌بین، با «امیر ایلی»، روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال حوزه رسانه به گفت‌وگو نشستیم و از او به عنوان یک کارشناس رسانه پرسیدیم که در بحران فعلی چه برون‌رفت‌هایی می‌تواند به عنوان راه‌حل از طریق صبا به ریاست جدید سازمان پیشنهاد شود که در ادامه ماحصل آن را می‌خوانید.



در برهه فعلی حیاتی‌ترین اقدام در جهت تحول سیما، تغییر بدنه مدیریتی و ناظر است یا ورود سلاطین جدید به تیم مدیریتی سابق و حفظ نگرش‌های باسابقه؟

علت مدیریت پیشین‌اش، بسیار سازمان محافظه‌کار و منفعلی است و همیشه زیر بلیط دولت و نهادهای دیگر بوده در نتیجه قدرت عمل زیادی نداشته و این عدم قدرت در وجوه ژورنالیستی و نمایشی هم تأثیر داشته است. سر قضایای مختلف، از جمله انتقادی که به آقای زاکانی شد، ریاست و گروه جدید نشان دادند کمتر قصد محافظه‌کاری دارند و رویکردشان تغییر کرده و در همین ابتدای کار این تغییر رویکرد را مشخص کردند. ضمن اینکه هر مدیر ارشدی طبق سلیقه و موقعیت‌های خود، دید جدیدی

تغییر نحوه مدیریت همان سلیقه جدید در مدیریت است. ما در سازمان دو مشکل داریم، بخش ساختار که شامل چیدمان شبکه‌ها، تعداد کارمندان و فرایند شورها است. یک بخش هم که جدی‌تر است تغییر رویکردهای سازمان همچون تغییر شکل محافظه‌کاری است. سازمان صداوسیما به